

# ساختار کتاب

کتاب شب امتحان عربی، زبان قرآن (۳) دوازدهم از ۴ قسمت اصلی به صورت زیر تشکیل شده است:

**(۱) آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

**الف) آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده:** آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم؛ بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه، تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس خواندن قبل از امتحان و پاسخگویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.

**ب) آزمون‌های طبقه‌بندی‌نشده:** آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول، مشابه آزمون‌های را که معلمان از شما خواهد گرفت، ببینید.

**(۲) آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ امتحان‌های نهایی برگزار شده در سال‌های ۹۸، ۹۹ و ۱۴۰۰ هستند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

**الف) آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ آزمون‌های نهایی خرداد، شهریور، دی ۹۸ و دی ۹۹ هستند که طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس، تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند؛ در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.

**ب) آزمون‌های طبقه‌بندی‌نشده:** آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس، در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال مواجه خواهید شد. این آزمون‌ها به ترتیب امتحان‌های نهایی خرداد و شهریور ۱۴۰۰ و خرداد و شهریور ۹۹ هستند.

**(۳) پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

**(۴) درس‌نامه کامل شب امتحانی:** در این قسمت تمام آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان عربی، زبان قرآن (۳) نیاز دارید، تنها در ۱۱ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!

**یک راهکار:** موقع امتحان‌های نوبت اول می‌توانید از سؤال‌های درس‌های اول و دوم آزمون‌های ۵ تا ۸ هم استفاده کنید.



## بازم‌بندی درس عربی، زبان قرآن (۳)

نوبت اول	نوبت دوم	مهارت‌ها
۲	شهریور و دی‌ماه	واژه‌شناسی
۹		ترجمه به فارسی
۷		شناخت و کاربرد قواعد
۲		درک و فهم
۲۰		جمع

## فهرست

صفحه	صفحه	نوبت آزمون پاسخ‌نامه
۳۴	۳	اول (طبقه‌بندی‌شده)
۳۵	۶	اول (طبقه‌بندی‌شده)
۳۸	۹	اول (طبقه‌بندی‌نشده)
۳۹	۱۱	اول (طبقه‌بندی‌نشده)
۴۱	۱۴	دوم (طبقه‌بندی‌شده) <b>۹۸ نهایی خرداد</b>
۴۳	۱۷	دوم (طبقه‌بندی‌شده) <b>۹۸ نهایی شهریور</b>
۴۵	۲۰	دوم (طبقه‌بندی‌شده) <b>۹۸ نهایی دی</b>
۴۶	۲۳	دوم (طبقه‌بندی‌شده) <b>۹۹ نهایی دی</b>
۴۷	۲۶	دوم (طبقه‌بندی‌نشده) <b>۱۴۰۰ نهایی خرداد</b>
۴۹	۲۸	دوم (طبقه‌بندی‌نشده) <b>۱۴۰۰ نهایی شهریور</b>
۴۹	۳۰	دوم (طبقه‌بندی‌نشده) <b>۹۹ نهایی خرداد</b>
۵۱	۳۲	دوم (طبقه‌بندی‌نشده) <b>۹۹ نهایی شهریور</b>
۵۴		درس‌نامه توپ برای شب امتحان

شماره	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)
نمره	نوبت اول پایه دوازدهم			ردیف
<b>آزمون شماره ۱</b>				
<b>درس اول</b>				
۰/۵	<p>تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ.</p> <p>الف) ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾</p> <p>ب) ﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾</p>			۱
۰/۵	<p>هر کلمه‌ای را که در درس می‌خوانید به دنبال مترادف و متضادش بگردید.</p>			۲
<p><b>الْبُعْثُ - الْمَرْضُ - الْأَسِيرَةُ - التُّقُوشُ - الْأَعْفِيَّةُ - الْقِيَامَةُ</b></p> <p>..... = ..... ..... ≠ .....</p>				
۰/۷۵	<p>تَرْجِمِ هَذِهِ الْجُمْلَ.</p> <p>الف) الْأَحْضَارَاتُ وَالرُّسُومُ تَذُلُّ عَلَى أَنْ الذِّينَ فُطِرِيٌّ وَلَكِنْ بَعْضُ الشَّعَائِرِ حُرَافِيَّةٌ.</p>			۳
۰/۵	<p>ب) كَسَّرَ إِبْرَاهِيمُ الْأَصْنَامَ ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ الصَّنَمِ الْكَبِيرِ.</p>			
۰/۵	<p>ج) وَ اَمْلَأِ الدُّنْيَا سَلَامًا شَامِلًا كُلَّ الْأَجْهَاتِ</p>			
۰/۷۵	<p>د) يَتَأَكَّدُ الْقُرْآنُ أَنْ تَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ لَعَلَّكُمْ تَرَوْنَ عَاقِبَةَ الْكَافِرِينَ.</p>			
۰/۵	<p>ه) يَا لَيْتَنَا كُنَّا مَعَ الْحَسَنِ <small>عليه السلام</small>، حَتَّى يُقَدِّدَنَا مِنَ الْجَهَالَةِ.</p>			
۰/۵	<p>و) لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ.</p>			
۰/۷۵	<p>ز) إِنَّ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ يَخْرُجَ الرَّجُلُ مَعَ صَافِيهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ.</p>			
۰/۵	<p>كَمَّلِ الْقَرَأِينَ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ.</p> <p>لَا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ.</p> <p>(به) بیچارگان ..... از آن چه .....</p>			۴
۱	<p>تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ.</p> <p>الف) الْأَحْضَارَةُ الْغَرِيبَةُ لَنْ تَعْلَمَ النَّاسَ الْعَفَافَ أَبَدًا.</p> <p>ب) قَدْ سُئِلَ الْمَدِيرُ: أَ فِي الْمَدْرَسَةِ طَالِبٌ؟</p> <p>ج) لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعُوبِ دِينٌ.</p> <p>د) أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ.</p>			۵
۰/۵	<p>عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْقُرْأِغِ.</p> <p>الف) لَيْتَ أَجَبْتَنِي ..... بِالْخَيْرِ عِنْدَمَا أَمُوتُ.</p> <p>ب) جَعَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ عَرَبِيًّا لَعَلَّ النَّاسَ .....</p> <p>ج) يَذْكُرُونِي <input type="checkbox"/> تَذْكُرُوا <input type="checkbox"/></p> <p>د) يَتَقَلَّبُونَ <input type="checkbox"/> تَتَقَلَّبُوا <input type="checkbox"/></p>			۶
۰/۲۵	<p>عَيِّنِ الْعِبَارَةَ الَّتِي فِيهَا «لَا» النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ.</p> <p>۱) <input type="checkbox"/> يَا أَيُّهَا النَّاسُ! لَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنَ أَهْلِ الْحَقِّ.</p> <p>۲) <input type="checkbox"/> لَا يَغْضَبُ الْمُؤْمِنُ فَإِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ.</p> <p>۳) <input type="checkbox"/> لَا سَوْءَ أَسْوَأَ مِنَ الْكُذْبِ.</p>			۷
۰/۲۵	<p>صَغَّ فِي الْقُرْأِغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.</p> <p>قَالَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ <small>عليه السلام</small>: «..... أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخَلْقُ الْحَسَنُ.»</p> <p>ب) <input type="checkbox"/> إِنَّ <input type="checkbox"/> أَنْ <input type="checkbox"/></p>			۸
۱	<p>عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ.</p> <p>الف) ﴿... أ أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِأَلْهِنَا يَا إِبْرَاهِيمَ﴾</p> <p>ب) يَتَّبِعُ الْحَيَوَانَ الْمُفْتَرِسَ فَرِيْسَتَهُ.</p>			۹

ردیف	آزمون شماره ۱	نوبت اول پایه دوازدهم	نمره
	عربی، زبان قرآن (۳)	کلید رشته‌ها به جز رشته انسانی	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه
	kheilisabz.com		
	<b>درس دوم</b>		
۱۰	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حُطٌّ. الْف (الف) يَتَعَبَّدُ فِي قِمَّةِ جَبَلِ النَّوْرِ.	(ب) هُوَاةُ أَسْمَاكِ الرَّيْنَةِ مُعْجِبُونَ.	۰/۵
۱۱	أَكْتَبُ مَفْرَدَ الْكَلِمَةِ التَّالِيَةِ. الْخِيَام:	اگرچه در آخر درس نامه تمام جمع‌های مکتسب درس‌ها آمده، ولی جمع‌های مکتسب که کتاب مستقیماً به آن‌ها اشاره کرده مهم تر هستند.	۰/۲۵
۱۲	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى.	<input type="checkbox"/> الْأَطِين <input type="checkbox"/> الْأَلْف <input type="checkbox"/> الْأْتْرَاب <input type="checkbox"/> الْأَحْجَر	۰/۲۵
۱۳	تَرْجِمِ هَذِهِ الْجُمْلَ. الْف (الف) قَدْ يَشْتَأقُ بِنِيَّ أَنْ يَرَى مِبَارَاةَ كُرَةِ الْقَدَمِ مِنَ التَّلْفَازِ. (ب) ﴿و لَا تَهْنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلُونَ﴾ (ج) يَا أُمَّاهُ! إِنِّصْلِي بِمُصْلِحِ الْحَافِلَاتِ لِأَنَّهَا مُعْطَلَةٌ. (د) إِلَهِي، عَامِلُنَا بِقَضَائِكَ وَ لَا تُعَامِلْنَا بِعَدْلِكَ. (هـ) بَعْدَ إِطْلَاقِ قَطْرَاتِ الْمَاءِ فِي إِتْجَاهِ الْخَشْرَةِ، تَسْفُطُ الْخَشْرَةُ ثُمَّ تَبْلَعُهَا. (و) عِنْدَ وُقُوعِ الْمَصَائِبِ تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ سَرِيعَةً.	از آیات و احادیث کتاب بدون تغییر سؤال می‌شود ولی سایر جملات کمی تغییر می‌کنند.	۰/۲۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۲۵ ۰/۵
۱۴	كَمَّلِ الْفَرَاعِينَ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسیَّةِ. حِينَ أَرَى هَذَا الْمَشْهَدَ تَمَّرُ أَمَامِي ذِكْرِيَاتِي. هنگامی که این ..... را می‌بینم، خاطراتم در مقابلم .....	کلمات کلیدی و مهم در این گونه سؤالات مورد پرسش قرار می‌گیرد.	۰/۵
۱۵	إِنْخَبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ. تُحَاوِلُ الطَّالِبَةُ فِي آدَاءِ وَاجِبَاتِهَا رَاضِيَةً وَ تُسَاعِدُ أَبَاهَا. <input type="checkbox"/> (۱) دانش آموز (دختر) با رضایت در انجام تکلیف‌هایش تلاش می‌کند، در حالی که پدرش به او کمک می‌کند. <input type="checkbox"/> (۲) دانش آموز در انجام تکالیفش تلاش می‌کند، در حالی که راضی است و به پدرش کمک می‌کند.	لطفاً از ترجمه فعل شروع کنید.	۰/۲۵
۱۶	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا حُطٌّ. الْف (الف) لِمَ لَا تَعْمَلُونَ بِوَاجِبَاتِكُمْ؟ (ج) رَجَاءً، تَكَاتِبًا!	(ب) تُنَمِّعُ عَنِ الْمَوَادِّ السُّكَّرِيَّةِ. (د) كُنْتُ قَدْ تَدَكَّرْتُ زَمِيلِي.	۱ شأنات انواع فعل همیشه مهم است و در ترجمه بسیار کمک می‌کند.
۱۷	عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ. الْف (الف) جَدِي كُلِّ يَوْمٍ ..... فَرِيضَةَ الصَّلَاةِ فِي الْمَسْجِدِ. <input type="checkbox"/> أَدَيْتُ <input type="checkbox"/> كَان يُوَدِّي <input type="checkbox"/> تُؤَدِّي (ب) فِي السَّنَوَاتِ الْمَاضِيَةِ ..... فِي الْكُتُبِ الدِّينِيَّةِ أَنْ أُولَى آيَاتِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ نَزَلَتْ فِي غَارِ جِرَاءِ. <input type="checkbox"/> لَنْ نَقْرَأُ <input type="checkbox"/> كُنَّا نَقْرَأُ	معمولاً در جمله نشانه‌هایی وجود دارد که در انتخاب گزینه صحیح کمک بسیاری می‌کند.	۰/۵
۱۸	عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حُطٌّ، فِي مَا يَلِي: الْف (الف) سَأَلَ الْأَبُ وَ لَدَهُ مُتَعَجِّبًا: لِمَ تَبْكِي؟! (ب) لَا يَسْتَطِيعُ الصَّعُودَ إِلَى الْغَارِ إِلَّا الْأَقْوِيَاءُ. (ج) الطَّالِبَاتُ تَقْرَأْنَ دُرُوسَهُنَّ مُجَدَّاتٍ. (عَيِّنِ الْخَبَرَ فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ.)	تشخیص نقش کلمه در جمله در همه امتحانات می‌آید، پس لطفاً یک بار برای همیشه آن را یاد بگیرید.	۱
۱۹	عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ وَ اسْمَ الْمُبَالَغَةِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ وَ اسْمَ الْمَكَانِ فِي مَا يَلِي. الْف ﴿يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً﴾ (ب) إِنَّ السَّيِّدَ حَسْبِي رَجُلٌ صَبَّارٌ وَ يَسْكُنُ قُرْبَ الْمَسْجِدِ. (ج) يُعَدُّ جَبَلٌ «إِفْرِسْت» أَعْلَى جَبَلٍ عَلَى مُسْتَوَى الْعَالَمِ.	با توجه به این که قواعد مربوط به این سؤال را سال‌های پیش فواید اید ضروری است دوباره تکرار شود.	۱/۵

	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)
نمره	نوبت اول پایه دوازدهم		آزمون شماره ۱	
۱	معنای واژه و کمی هم حدس شما را به پاسخ صحیح می‌رساند.  <input type="checkbox"/> يَتَهَامَسُ <input type="checkbox"/> اَلْبَرَكَةُ <input type="checkbox"/> اَلْقَرَابِين <input type="checkbox"/> اَلْجَزَارَةُ <input type="checkbox"/> اَلْمُجِيبُ <input type="checkbox"/> اَلْحَجَّ		<b>ترکیبی</b>  ۲۰ صَعَّ فِي الْمَرْعِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ: «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ» ۱- مِنَ الْفَرَائِضِ الدِّينِيَّةِ وَ مِنْ أَجْزَائِهَا السَّعْيُ وَ رَمِي الْجَمْرَاتِ. ۲- سَيَارَةٌ تَسْتَحْدِمُهَا لِلْعَمَلِ فِي الْمَرْعَةِ. ۳- إِذَا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ فِي الطَّعَامِ نَجِّدْهَا فِي الطَّعَامِ. ۴- إِنَّهُمْ بَدَوْا يَتَكَلَّمُونَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ.	
۱	اطلاعات عمومی و آنچه در کتاب است برای پاسخ به این سوالات کافی است.		۲۱ عَيَّنَ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ. <input type="checkbox"/> الف) جَبَلُ التَّوْرِ يَكُونُ مُرْتَفِعاً وَ يَقَعُ فِي مَدِينَةِ النَّبِيِّ ﷺ. <input type="checkbox"/> ب) تَعَدَّدُ الْآلِهَةُ مِنَ الْخِرَافَاتِ وَ عِبَادَتُهَا مِنَ الْمَعَاصِي الْكُبْرَى. <input type="checkbox"/> ج) التَّفَاخُرُ بِالنَّسَبِ مِنْ أَحْسَنِ الْحَسَنِ. <input type="checkbox"/> د) «الشُّعْبُ» هُوَ أَهْلُ الْبَلَدِ الَّذِينَ يَعِيشُونَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ وَ جَمْعُهَا «شُعَبٌ».	
۲۰	جمع نمرات		موفق باشید	

شماره	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۸۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)
نمره	نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۱۴۰۰			ردیف
<b>آزمون شماره ۹</b>				
۱	<p>۱ ترجم الكلمات التي تحتها خط:          (الف) عباداته و شعائره كانت خرافية. (ب) هذا الذي تعرف البطحاء وطأته. (ج) العقاد صحفي و شاعر مصري. (د) أتمنى أن أزر هذه الأماكن.</p>			۱
۰/۵	<p>۲ عین المتضاد و المترادف:          (الف) ..... = .....          (ب) ..... ≠ .....</p>			۲
۰/۲۵	<p>۳ (الف) عین الكلمة الغريبة:          العش □ الطائر □ الفندق □ الفراخ □</p>			۳
۰/۲۵	<p>(ب) اكتب جمع الكلمة:          الفقير .....</p>			
۰/۵	<p>۴ ترجم الآيات و الأشعار إلى الفارسية:</p>			۴
۰/۵	<p>(الف) ﴿وَأَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾</p>			
۰/۵	<p>(ب) ﴿أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِأَلْهِنَانَا يَا إِبْرَاهِيمَ﴾</p>			
۰/۵	<p>(ج) وَ لَيْسَ قَوْلُكَ: مَنْ هَذَا؟ بِضَائِرِهِ.</p>			
۰/۷۵	<p>(د) ﴿قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾</p>			
۱	<p>(هـ) هذا ابن حبر عباد الله كلهم هذا التقي النقي الطاهر العلم</p>			
۰/۵	<p>۵ ترجم العبارات إلى الفارسية:</p>			۵
۰/۵	<p>(الف) يا ليتني أذهبت مرة أخرى إلى الحج.</p>			
۰/۵	<p>(ب) الجسم القوي يجذب غذاءً مناسباً لنفسه.</p>			
۰/۵	<p>(ج) لما وصل إلى الحجر، استلمه استلاماً سهلاً.</p>			
۰/۵	<p>(د) هل رأيتما غار ثور الذي لجأ إليه النبي ﷺ؟</p>			
۰/۷۵	<p>(هـ) علمه القرآن تعليماً و رحل الفرزدق إلى خلفاء بني أمية بالشام.</p>			
۰/۷۵	<p>(و) لا نشاهد في حياته إلا النشاط على رغام ظروفه القاسية.</p>			
۰/۷۵	<p>(ز) لا شعب من شعوب الأرض إلا و كان له دين و طريقة للعبادة.</p>			
۰/۵	<p>۶ انتخب الصحيح في الترجمة:</p>			۶
۰/۵	<p>(الف) ما استطاعت أسرته أن ترسله إلى القاهرة لتكميل دراسته.</p>			
۰/۵	<p><input type="checkbox"/> (۱) خانواده‌اش نتوانست که برای تکمیل تحصیل او را به قاهره بفرستد.</p>			
۰/۵	<p><input type="checkbox"/> (۲) خانواده‌اش نمی تواند برای تکمیل تحصیل او را به قاهره بفرستد.</p>			
۰/۵	<p>(ب) أجب: لم تسألوني؟ إسألوا الصنم الكبير.</p>			
۰/۵	<p><input type="checkbox"/> (۱) جواب داد: از من پرسید، از بت بزرگ پرسید.</p>			
۰/۵	<p><input type="checkbox"/> (۲) جواب داد: چرا از من می پرسید؟ از بت بزرگ پرسید.</p>			
۱	<p>۷ كمل الفراغات في الترجمة الفارسية:</p>			۷
۰/۵	<p>(الف) كان النبي ﷺ يتعبّد في قبة غار حراء.</p>			
۰/۵	<p>(ب) الكتب تجارب الأمم على مرّ آلاف السنين.</p>			
۲/۲۵	<p>۸ ترجم الأفعال و الكلمات التالية:</p>			۸
۰/۵	<p>(الف) اجتهد (تلاش كرد) (۱) لم يجتهد في عمله: (۲) هو قد يجتهد: (۳) من فضلكم اجتهدوا:</p>			
۰/۵	<p>(ب) ستر (پوشاند) (۱) إن الله ستار الذنوب: (۲) كان قد ستر على وجهه: (۳) ما ستر وجهه:</p>			
۰/۵	<p>(ج) جلس (نشست) (۱) كان يجلس على الأرض: (۲) هم سوف يجلسون: (۳) هي جلست هناك:</p>			
۱/۷۵	<p>۹ (الف) إبحث عن هذه الأسماء في الجمل: (۱-) اسم الفاعل ۲- اسم المفعول ۳- اسم المبالغة ۴- اسم المكان ۵- اسم التفضيل</p>			۹
۰/۵	<p>﴿عَفَّرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾ الطالبتان تقرأن دروسهما أكثر من صديقتيهما - اشتد الإزدحام أمام الملعب الرياضي - الطباخ وضع الطعام على المنضدة.</p>			
۰/۵	<p>(ب) ترجم الكلمات التي تحتها خط:</p>			
۰/۵	<p>(۱) أقرأ في حياة نابليون آراء ثلاثين كاتباً.</p>			
۰/۵	<p>(۲) هذا العمل أمتع من قراءة الموضوعات المتعددة.</p>			

كعبة	kheilisabz.com	زمن آزمون: ٨٠ دقيقه	كلية رشتها به جز رشتة انساني	عربي، زبان قرآن (٣)
ردیف	نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ١٤٠٠	آزمون شماره ٩		
١٠	٠/٢٥	عَيَّنَ الْجُمْلَةَ الَّتِي فِيهَا أَسْلُوبُ الْحَضَرِ: <input type="checkbox"/> (١) حَلَّ الطُّلَابُ مَسَائِلَ الرِّيَاضِيَّاتِ إِلَّا مَسْأَلَةً. <input type="checkbox"/> (٢) مَا فَازَ إِلَّا الصَّادِقُ.		
١١	١/٢٥	مَيَّزْ فِي الْعِبَارَاتِ: (١- المفعول المطلق ٢- نوعه ٣- الحال ٤- الفعل المجهول ٥- المستثنى) يَبْقَى الْمُحْسِنُ حَيًّا وَإِنْ ثَقُلَ إِلَى مَنَازِلِ الْأَمْوَاتِ - «كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا» - كُلُّ شَيْءٍ يَرْحُصُ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدَبُ		
١٢	١	عَيَّنَ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ: الف) الْأَتَاؤُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالدِّينِ. ب) الْحَاجُّ اسْتَلَمَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ بِالْكَعْبَةِ الشَّرِيفَةِ.		
١٣	١	عَيَّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ: «كلمتان زائدتان» الْعَيْنِبِ - الظُّرُوفِ - الْإِنْفَاقِ - الثَّانَوِيَّةِ - الْغِلَافِ - سُدِّيَّ الف) لَا يَتَرَكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ ..... ب) ..... هِيَ الْمَرْحَلَةُ الدَّرَاسِيَّةُ بَعْدَ الْإِبْتِدَائِيَّةِ. ج) سِعْرٌ ..... يَرْحُصُ فِي نِهَآيَةِ الصَّيْفِ بِسَبَبِ وَفُورِهِ فِي السُّوقِ. د) يَنْقُصُ كُلُّ شَيْءٍ بِ..... إِلَّا الْعِلْمَ.		
١٤	١	إِقْرَأ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ: «كَانَ الْفَرَزْدَقُ مِنْ شُعْرَاءِ الْعَصْرِ الْأُمَوِيِّ وَ مُجِبًّا لِأَهْلِ الْبَيْتِ ﷺ. وَ كَانَ يَسْتُرُ حُبَّهُ عِنْدَ خُلَفَاءِ بَنِي أُمَيَّةَ وَلَكِنَّهُ جَهَرَ بِهِ لَمَّا حَجَّ هِشَامُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ فِي أَيَّامِ أَبِيهِ» «سَمَكَةُ التِّيْلَابِيَا مِنْ أَعْرَابِ الْأَسْمَاكِ تُدَافِعُ عَنْ صِغَارِهَا وَ هِيَ تَسِيرُ مَعَهَا. إِنَّهَا تَعِيشُ فِي شِمَالِ إِفْرِيقِيَا. وَ تَبْلَعُ صِغَارَهَا عِنْدَ الْخَطْرِ ثُمَّ تُخْرِجُهَا بَعْدَ زَوَالِ الْخَطْرِ» الف) مَتَى جَهَرَ الْفَرَزْدَقُ حُبَّهُ لِأَهْلِ الْبَيْتِ ﷺ؟ ب) مَنْ كَانَ الْفَرَزْدَقُ؟ ج) أَيْنَ تَعِيشُ سَمَكَةُ التِّيْلَابِيَا؟ د) مِمَّنْ تُدَافِعُ السَّمَكَةُ؟		
١٥	٠/٥	عَيَّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ: طَلَبَ الْحَاجَّةَ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا أَشَدُّ مِنَ الْمَوْتِ. الف) الْحَاجَّةُ: <input type="checkbox"/> (١) اسْمٌ فَاعِلٌ، مَفْرَدٌ، مُؤَنَّثٌ، مُعَرَّفٌ بِالْعِلْمِيَّةِ/ فَاعِلٌ <input type="checkbox"/> (٢) اسْمٌ، مَفْرَدٌ، مُؤَنَّثٌ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ/ مُضَافٌ إِلَيْهِ ب) أَشَدُّ: <input type="checkbox"/> (١) اسْمٌ تَفْضِيلٌ، مَفْرَدٌ، مُدَكَّرٌ/ خَبَرٌ <input type="checkbox"/> (٢) مُصَدَّرٌ، مَفْرَدٌ، مُدَكَّرٌ/ صِفَةٌ		
٢٠	جمع نمرات	موفق باشيد		

# پاسخ‌نامه تشریحی

## آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

۱- الف) خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند گویی ساختمانی استوار هستند.

ب) آیا انسان گمان می‌کند که بیهوده رها می‌شود؟

۲- قیامت - بیماری - روش - کنده کاری‌ها - سلامتی - قیامت  
أَلْبَعَثُ = الْقِيَامَةُ (رستاخیز)

الْمَرَضُ (بیماری) ≠ الْأَعْفَايَةُ (سلامتی)

۳- الف) تمدن‌ها و رسم‌ها دلالت دارند که؛ دین فطری است، ولی بعضی مراسم‌ها خرافی است.

ب) ابراهیم بت‌ها را شکست، سپس تبر را بر شانه بت بزرگ آویزان کرد.

ج) و دنیا را از صلحی فراگیر در همه جهت‌ها پر کن.

د) قرآن تأکید می‌کند که در زمین حرکت کنید، شاید سرنوشت کافران را ببینید.

ه) ای کاش ما با حسین علیه السلام بودیم تا ما را از نادانی نجات دهد.

و) کسی که هیچ (وفای به) پیمانی ندارد، هیچ دینی ندارد.

ز) همانا از سنت (رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) آن است که مرد با مهمانش تا درب خانه خارج شود.

۴- غذا ندهید - نمی‌خورید

۵- الف) تمدن غربی هرگز پاکدامنی را به مردم یاد نخواهد داد.

لَنْ تُعَلِّمَ (لن + فعل مضارع) مستقبل منفی است، پس ترجمه صحیح آن «یاد نخواهد داد» است. نکته دیگری که باید بدانیم این است که «الحضارة» مبتدا و مؤنث است و «لَنْ تُعَلِّمَ» که خبر آن می‌باشد نیز به شکل مؤنث آمده است.

ب) از مدیر سؤال شده است: آیا در مدرسه دانش‌آموزی هست؟

قَدْ سُئِلَ (قد + فعل ماضی) معادل ماضی نقلی است، پس ترجمه آن «سؤال شده است» می‌باشد. هم‌چنین سُئِلَ فعل ماضی مجهول است؛ پس دقت کنید که باید به شکل مجهول ترجمه شود.

ج) برای بعضی از ملت‌ها دینی نبود (بعضی از ملت‌ها دینی نداشتند).

«کان» معمولاً معنای «بود» یا «است» می‌دهد و «لم یکن» (لم + فعل مضارع) ساختار ماضی منفی (ساده یا نقلی) دارد، پس لم یکن = ما کان می‌باشد و معنای «نبوده» است یا «نیست» می‌دهد.

د) بیشتر مردم سپاس‌گزاری نمی‌کنند.

فعل «لا یشکرون» مضارع منفی است، زیرا «لا» آخر فعل را تغییر نداده؛ پس «سپاس‌گزاری نمی‌کنند» ترجمه می‌شود.

۶- الف) ای کاش دوستانم هنگامی که می‌میرم مرا به خوبی ..... .

یاد کنند مرا  یاد کنید مرا  یاد کنند مرا

«يَذْكُرُونَ» به ضمیر «ي» متصل شده و نیاز به نون وقایه دارد (فعل + ن + ي) پس «یذکرونتی» صحیح است.

ب) قبل از «يَذْكُرُونَ»، حرف مشبّهة بالفعل «لِيتَ» آمده، پس فعل را به صورت «مضارع التزامی» ترجمه کنیم.

ب) خداوند قرآن را عربی قرار داد شاید مردم .....

بیندیشند  بیندیشید  بیندیشند

فعل بعد از «لَعَلَّ» باید به شکل مضارع التزامی (بیندیشند) ترجمه شود. با آمدن «الناس» نمی‌توان «تُعَلِّمُونَ» را برگزید؛ زیرا مخاطب است و از جهت معنا صحیح نخواهد شد. در

«تَعَقَّلُوا» هم دو اشتباه وجود دارد، زیرا «نون» فعل بعد از «لَعَلَّ» حذف نمی‌شود (مجزوم نمی‌شود) و از جهت معنا هم جمله صحیح نخواهد بود.

۷-  ۱) ای مردم! باطل را از اهل حق نگیرید.

«لا» در فعل «لا تَأْخُذُوا»، «لای نهی» است، زیرا فعل را مجزوم کرده (آخر فعل را تغییر داده) و معنای جمله هم فقط در صورتی صحیح خواهد بود که «لای نهی» باشد.

۲) مؤمن خشمگین نمی‌شود، زیرا خشم موجب فساد است.

«لا» در فعل «لا يَغْضَبُ»، «لای نفی» است، زیرا فعل را مجزوم نکرده (آخر فعل تغییر نکرده).  ۳) هیچ بدی زشت‌تر از دروغ نیست.

«لا» در این‌جا نفی جنس است، زیرا اولاً بر سر اسم نکره مفتوح (فتح‌دار) آمده، ثانیاً معنای «هیچ ... نیست» دارد.

۸- امام حسن علیه السلام فرمود: همانا بهترین نیکی خلق نیکو است.

إِنْ (اگر) و أَنْ (که) بر سر فعل می‌آیند و أَنْ (که) از حروف مشبّهة بالفعل است و در وسط جمله می‌آید. در این‌جا پاسخ «إِنَّ» است، زیرا در ابتدای جمله آمده و از حروف مشبّهة بالفعل است و جمله بعد از خود را تأکید کرده است.

### کتابت

حرف	نوع حرف	معنی	کاربرد
إِنْ	حرف شرط	اگر	بر سر دو فعل می‌آید و فعل اول را معادل مضارع التزامی می‌کند.
أَنْ	حرف ناصبه	که	بر سر فعل مضارع می‌آید و معادل مضارع التزامی فارسی است.
إِنَّ	حرف مشبّهة بالفعل	همانا	بر سر مبتدا و خبر می‌آید و برای تأکید استفاده می‌شود و معمولاً در اول جمله می‌آید.
أَنَّ	حرف مشبّهة بالفعل	که	بر سر مبتدا و خبر می‌آید و معمولاً در وسط جمله می‌آید.

۹- الف) ﴿... أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا يَأْتِينَا يَا إِبْرَاهِيمَ﴾  
مبتدا مفعول

**ترجمه:** آیا تو با خدایان ما این کار را کردی، ای ابراهیم؟

«أ = آیا» حرف می‌باشد و نقش دستوری ندارد، پس به کلمه بعد از آن نگاه می‌کنیم. «أنت» ضمیر است و ضمائر زیرمجموعه اسم‌ها هستند؛ پس «أنت» مبتدا محسوب می‌شود و «فَعَلْتَ» خبر خواهد بود، اما خبر خودش فعل است و می‌تواند فاعل یا مفعول داشته باشد. اگر به ترجمه توجه کنیم، «هذا» نقش مفعول دارد.

ب) يَشْتَبِعُ الْحَيَوَانَ الْمُفْتَرَسَ قَرِيبَتَهُ.

حیوان درنده، شکارش را دنبال می‌کند.

جمله، فعلیه و «الحيوان» فاعل است؛ زیرا اولاً بعد از فعل آمده و انجام‌دهنده کار است. ثانیاً مرفوع (هُ، اِن، وَن، ...) است. ضمیر «ه» که به «قریسه» متصل شده مضاف‌الیه

است، زیرا یک قانون کلی وجود دارد: اسم + ضمیر مضاف‌الیه  
۱۰- الف) در قلّه کوه نور عبادت می‌کند.

ب) علاقه‌مندان به ماهی‌های زینتی شگفت‌زده هستند.

۱۱- الخيام: چادرها «مفرد: أَلْحَيْمَةُ»

۱۲-  گل  پرونده  خاک  سنگ

۱۳- الف) گاهی بسرکم مشتاق می‌شود که مسابقه فوتبال را از تلویزیون ببیند. (قد + مضارع = گاهی ...)

ب) سُست و غمگین نشوید، در حالی که شما برترین هستید.

ج) ای مادر جان؛ به تعمیر کار اتوبوس‌ها زنگ بزن، زیرا آن خراب است.

د) پروردگارا، با فضلت با ما رفتار کن و با عدلت با ما رفتار نکن.

ه) بعد از پرتاب کردن قطره‌های آب به سوی حشره، حشره می‌افتد، سپس آن را می‌بلعد. (و) هنگام پدید آمدن سختی‌ها رحمت (خداوند) با سرعت فرود می‌آید.

۱۴- صحنه - می‌گذرند

۱۵- گزینه «۲» در این گونه سؤالات، ابتدا به ترجمه دقیق فعل‌ها توجه کنید. «تُحاول = تلاش می‌کند» و «تُساعد = کمک می‌کند» این دو فعل مضارع هستند و در گزینه (۱) به اشتباه به شکل ماضی استمراری ترجمه شده است.

۱۶- الف) چرا تکالیفات را انجام نمی‌دهید؟

لا تَعْمَلُونَ (لا + فعل مضارع «بدون تغییر») معادل مضارع منفی است و صیغه دوم شخص جمع (جمع مذکر مخاطب) است.

ب) از مواد قندی منع می‌شویم.

«مَنَع = بازداشت، منع کرد» و صیغه متکلم مع‌الغیر مضارع آن «تَمْنَع = منع می‌کنیم» می‌باشد؛ اما توجه داشته باشید که فعل مضارع مجهول است و در ترجمه باید از مشتقات «شدن» استفاده کنیم.

ج) لطفاً نامه‌نگاری کنید.

تکاتیبا: فعل امر است و مشترک بین دوم شخص جمع مذکر و مؤنث است؛ یعنی «صیغه‌های مثنای مذکر مخاطب» و «مثنای مؤنث مخاطب» - ثلاثی مزید باب «تَفَاعُل» به معنای نامه‌نگاری کنید.

تکاتیبا» مشترک در سه صیغه است. در این جا قبل از فعل، «رجاء = لطفاً» آمده پس حتماً امر است؛ ولی صیغه آن می‌تواند مشترک بین «مثنای مذکر مخاطب» و «مثنای مؤنث مخاطب» باشد که در زبان فارسی هر دوی این‌ها به معنای «نامه‌نگاری کنید» می‌باشد، اما احتمال دیگری نیز وجود دارد که «تکاتیبا» مثنای مذکر غایب باشد که معنای آن «نامه‌نگاری کردند» خواهد شد ولی در این جمله این معنا صحیح نخواهد بود.

د) همکلاسی‌ام را به یاد آورده بودم.

«كُنْتُ قَدْ تَذَكَّرْتُ» (كان + [قد] + ماضی) ساختار ماضی بعید است، پس در ترجمه آن باید از مشتقات «بود» استفاده شود.

۱۷- الف) پدر بزرگم هر روز فریضه نماز را در مسجد به جای می‌آورد.

به جای آوردی  به جای می‌آوردی

به جای می‌آورد (مؤنث) - به جای می‌آوری (مذکر)

«أَدَيْتَ» فعل ماضی مخاطب است و به معنای «به جا آوردی» است که معنای صحیحی در جمله نخواهد داشت.

«تَوَدَّى» دووجهی است، اگر سوم شخص مفرد «مفرد مؤنث غایب» باشد به معنای «به جا می‌آورد» است و از لحاظ معنی صحیح است ولی از نظر جنسیت با فاعلش که ضمیری مستتر (هو) است که به «جَدِّي = پدر بزرگم» بازمی‌گردد، مطابقت ندارد. اگر دوم شخص مفرد «مفرد مذکر مخاطب» باشد به معنای «به جا می‌آوری» است که چنین معنایی در جمله صحیح نیست؛ اما کان يُوَدِّي (كان + مضارع) ساختار ماضی استمراری دارد و به معنای «به جای می‌آورد» است که هم از لحاظ معنی و هم از جهت مطابقت با «فاعل» صحیح است.

ب) در سال‌های گذشته در کتاب‌های دینی خوانده بودم که اولین آیات قرآن کریم در غار حراء نازل شد.

نخواهیم خواند  می‌خواندیم  خوانده بودم

«لَنْ نَقْرَأَ» (لن + مضارع) معادل مستقبل منفی و به معنای «نخواهیم خواند» است و با توجه به این که در جمله قید «سال‌های گذشته» آمده از لحاظ معنی صحیح نخواهد بود. «كُنَّا نَقْرَأُ» (كان + مضارع) ساختار ماضی استمراری دارد و به معنای «می‌خواندیم» است و با توجه قید «سال‌های گذشته» ترجمه دقیقی نیست.

اما «كُنْتُ قَدْ قَرَأْتُ» (كان + [قد] + ماضی) معادل ماضی بعید و به معنای «خوانده بودم» است که از لحاظ معنا کاملاً با جمله هماهنگ است.

۱۸- الف) سَأَلَ الْأَبُ وَلَدَهُ مُتَعَجِّبًا: لِمَ تَبْكِي؟!

مفعول حال

ترجمه: پدر از فرزندش با تعجب پرسید: چرا گریه می‌کنی؟!

وَلَدٌ بعد از آن فعل «سَأَلَ» آمده و به دو دلیل مفعول است: اولاً از لحاظ معنا «وَلَدٌ» متتم فارسی است که معمولاً معادل مفعول عربی است. ثانیاً «وَلَدٌ» منصوب (بـ، ین، ین، ... ) است. مُتَعَجِّبًا: به دو دلیل حال است. اولاً بیانگر حالت و ویژگی «الأب» است. ثانیاً منصوب است.

ب) لَا يَسْتَطِيعُ الصُّعُودَ إِلَى الْغَارِ إِلَّا الْأَقْوِيَاءُ.

جار و مجرور

ترجمه: به‌جز نیرومندان کسی نمی‌تواند به غار صعود کند.

إلى الغار: جار و مجرور است. «إلى» به معنای «به، به سوی» است و از حروف جاز محسوب می‌شود که همواره بعدش اسم می‌آید.

ج) دانش‌آموزان (دختر) با تلاش درس‌هایشان را می‌خوانند.

خبر: تَقْرَأْنَ

جمله با «الطَّلِبَات» شروع شده و چون اسم است، پس نقش دستوری آن مبتدا خواهد بود. پس از مبتدا، خبر می‌آید. در این جا «تَقْرَأْنَ = می‌خوانند» خبر از نوع فعل است، زیرا توضیح و خبری است که پیرامون دانش‌آموزان می‌دهد.

۱۹- الف) ای نفس اطمینان یافته به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که تو از او راضی هستی و او هم از تو راضی است.

المُطمِئِنَّة: اسم فاعل است (مُ... ی) که از فعل ثلاثی مزید ساخته شده است.

راضیة: اسم فاعل است از فعل ثلاثی مجرد که بر وزن «فَاعِل» می‌آید.

مَرْضِيَّة: اسم مفعول است از فعل ثلاثی مجرد که بر وزن «مفعول» می‌آید.

رَضِيَ - اسم مفعول ← مَرْضِي ← تغییر می‌کند ← مَرْضِي ← مؤنث ← مَرْضِيَّة

ب) همانا آقای حسینی مردی بسیار صبور است و نزدیک مسجد زندگی می‌کند.

صَبَّار: اسم مبالغه است، اسم مبالغه معمولاً در وزن‌های «فَعَال» و «فَعَالَة» می‌آید و در ترجمه آن از قید «بسیار»، «خیلی» استفاده می‌کنیم.

الْمَسْجِد: اسم مکان است، اسم مکان معمولاً در وزن‌های «مَفْعَل»، «مَفْعِل» و «مَفْعَلَة» می‌آید.

ج) کوه اورست بلندترین کوه در سراسر جهان است.

أعلى: اسم تفضیل است، اسم تفضیل در دو وزن «أفْعَل» (مذکر) و «فُعْلَى» (مؤنث) می‌آید.

۲۰- الف) از واجبات دینی است و از اجزای آن، سعی (تلاش، دویدن) و پرتاب سنگ است.

← حج

۲) خودرویی است که در مزرعه‌ها آن را به کار می‌گیریم. ← تراکتور

۳) هرگاه نام خداوند در غذا برده شود، در غذا آن را می‌بابیم. ← برکت

۴) همانا آن‌ها با سخنی آرام شروع به سخن گفتن کردند. ← پیچ می‌کند

کلمات اضافی: الْقَرَابِين: قربانی‌ها، الْمُحْجِب: پاسخ‌دهنده

۲۱- الف)  کوه نور مرتفع است و در شهر مدینه‌النبی ﷺ واقع شده است.

جَبَلُ النُّور «جَبَلُ النُّور = کوه نور» که غار حراء در آن واقع است در شهر مکه می‌باشد.

ب) تعدد خدایان از خرافات و عبادتشان از گناهان کبیره است.

ج) افتخار کردن به دودمان از بهترین نیکی است.

د) «مَلَّت» همان اهل سرزمینی است که در یک مکان زندگی می‌کنند و «جَمَعَ» آن «شُعَب» است.

شُعَب: مَلَّت، جمع مکسر: شُعُوب / شُعْبَة: گروهی از چیزی، جمع مکسر: شُعَب



### آزمون شماره ۹ (نوبت دوم)

- ۱- الف) عبادت‌ها و مراسم خرافی بود. (است)  
 ب) او کسی است که گامش را دشت مکه می‌شناسد.  
 ج) عقاد روزنامه‌نگار و شاعر مصری است.  
 د) آرزو دارم که این مکان‌ها را زیارت کنم. (دیدن کنم)
- ۲- بزرگ می‌شود - تنگ می‌شود - آویخت - کمک کرد - کوچک می‌شود - یاری کرد  
 الف) أَعَانَ = نَصَرَ (یاری کرد)  
 ب) تَكَبَّرَ (بزرگ می‌شود) ≠ تَصَغَّرَ (کوچک می‌شود)
- ۳-  لانه  پرنده  هتل  جوجه  
 ب) الفقير (مفرد) ← جمع تکسیر: الفقراء
- ۴- الف) با یکتاپرستی به دین روی بیاور.  
 ب) ای ابراهیم! آیا تو این (کار) را با خدایان ما انجام دادی؟  
 ج) و این گفته تو که «این کیست؟» زیان‌رساننده به او نیست.  
 د) گفتند او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید.  
 ه) این فرزند بهترین همهٔ بندگان خداست. این پرهیزکار پاک پاکیزه بزرگ قوم است.
- ۵- الف) ای کاش بار دیگر به حج بروم.  
 ب) بدن قوی غذای مناسبی برای خود جذب می‌کند.  
 ج) هنگامی که به حجرالاسود رسید به آسانی آن را مسح کرد.  
 د) آیا غار ثور را که پیامبر ﷺ به آن پناه برد، دیدید؟  
 ه) قطعاً قرآن را به او آموزش داد، سپس فرزندی نزد خلفای بنی‌امیه در شام رفت.  
 و) در زندگی‌اش با وجود شرایط سخت و دشواری چیزی به‌جز فعالیت نمی‌بینیم  
 (فقط ..... می‌بینیم).  
 ز) هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست، مگر این که دینی و روشی برای عبادت داشته باشد.

۶- الف) گزینۀ «۱» خانواده‌اش نتوانست که برای تکمیل تحصیلش او را به قاهره بفرستد. «ما استطاعنا» فعل ماضی منفی است، پس ترجمۀ آن به صورت «نمی‌تواند» غلط است. (رد گزینۀ ۲)

ب) گزینۀ «۲» جواب داد: چرا از من می‌پرسید؟ از بت بزرگ بپرسید. **کتاب:** «لَمْ» را با «لَمْ» چرا؟ اشتباه نگیرید.

بنابراین «لَمْ» به معنی «چرا» و «تَسْأَلُونَنِي» مضارع است و ترجمۀ آن به صورت نهی (نپرسید) غلط است (رد گزینۀ ۱).

۷- الف) پیامبر ﷺ در قلۀ غار حراء عبادت می‌کرد.

**کتاب:** کان + مضارع = ماضی استمراری (کان يَتَعَبَّدُ: عبادت می‌کرد) ب) کتاب‌ها تجربه‌های مَلَّت‌ها در گذر هزاران سال هستند.

**کتاب:** جمع مکتب ← کُتِبَ / تجرِبَ / أُمَّةٌ ← أُمٌّ / أَلْفٌ ← آلف ۸- الف) ۱) در کارش تلاش نکرد (نکرده است).

**کتاب:** لم + مضارع = ماضی منفی (ساده - نقلی)

۲) او گاهی تلاش می‌کند.

**کتاب:** قد + ماضی = ماضی نقلی - قد (گاهی) + مضارع

۳) لطفاً شما تلاش کنید.

**کتاب:** در فعل‌های ثلاثی مزید به حرکات - اجْتَهَدُوا: تلاش کردند (ماضی) فعل‌ها خیلی دقت کنید - اجْتَهَدُوا: تلاش کنید (امر)

ب) ۱) همانا خداوند بسیار پوشانندهٔ گناهان است.

**کتاب:** دو وزن فَعَالٌ - فَعَالَةٌ برای اسم مبالغه است و در ترجمه آن‌ها معمولاً کلمهٔ «بسیار، خیلی» می‌آید.

۲) علی صورتش را پوشانده بود.

**کتاب:** کان + (قد) + ماضی = ماضی بید

۳) صورتش را نپوشاند.

**کتاب:** ما + ماضی = ماضی منفی - البته گاهی «ما» فعل مضارع را نیز منفی می‌کند. (ما تَیْرُیْدُ: نمی‌خواهد)

ج) ۱) روی زمین می‌نشست.

**کتاب:** کان + مضارع = ماضی استمراری

۲) آن‌ها خواهند نشست.

**کتاب:** س، سوف + مضارع = مستقبل

۳) او آن‌جا نشست. (مؤنث)

۹- الف) **تجربنت:** پروردگار مرا بخشید و مرا از گرمیان قرار داد - دو دانش‌آموز درس‌هایشان را بیشتر از دوستانشان می‌خوانند - مقابل ورزشگاه (باشگاه ورزشی) ازدحام جمعیت افزایش یافت - آشپز غذا را روی میز قرار داد.

۱) اسم الفاعل: الطالبان ۲) اسم المفعول: المُکْرَمین

۳) اسم المبالغة: الطِّیَاح ۴) اسم المكان: المَلْعَب

۵) اسم التفضیل: أَکْثَر

**کتاب:** یادآوری

- اسم مشتق:
- ۱- اسم الفاعل - فاعل (ثلاثي مجزّد) - مُ ... - مُ ... (ثلاثي مزید)
  - ۲- اسم المفعول - مفعول (ثلاثي مجزّد) - مُ ... - مُ ... (ثلاثي مزید)
  - ۳- اسم المبالغة: فَعَالٌ - فَعَالَةٌ
  - ۴- اسم التفضیل: أَفْعَلٌ - فُعْلَى
  - ۵- اسم المكان: مَفْعَلٌ - مَفْعَلَةٌ

ب) ۱) دربارهٔ زندگی ناپلئون نظریات سی نویسنده را می‌خوانم.

**کتاب:** در زبان فارسی معمولاً «نده، ار ...» علامت اسم فاعل (صفت فاعلی) است.

۲) این کار لذت‌بخش‌تر از خواندن موضوعات متعدد است.

**کتاب:** أَفْعَلٌ + اسم = ترین / أَفْعَلٌ + مِّنْ = تر

۱۰- گزینۀ «۲» ما فَاذْ إِلَّا الصَّادِقُ: فقط صادق پیروز شد [پیروز نشد، به‌جز صادق] در اسلوب حصر اولاً مستثنی‌منه حذف شده است. ثانیاً جملهٔ قبل از إِلَّا منفی یا سؤالی است. در گزینۀ (۱) «مَسَائِلُ الرِّیَاضِيَّاتِ» مستثنی‌منه است و جملهٔ قبل از إِلَّا جملهٔ مثبت است، بنابراین گزینۀ (۱) اسلوب حصر نیست.

۱۱- يَبْقَى الْمُحْسِنُ حَيًّا وَ إِن تَقِلَّ إِلَى مَنَازِلِ الْأَمْوَاتِ.

حال ماضی مجهول

**تجربنت:** نیکوکار اگر چه به منازل مردگان منتقل شود، زنده است.

حَيًّا: اسمی است نکره و منصوب (ئ) که بیانگر حال «المُحْسِنِ» است و با «المُحْسِنِ» (صاحب حال) در جنس و تعداد مطابقت و هماهنگی دارد.

○ **کَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا:** قطعاً موسی با خداوند صحبت کرد.

مفعول مطلق تأکیدی

تکلیماً: مصدر فعل «كَلَّمَ» می‌باشد و منصوب است و پس از آن صفت یا مضاف‌الیه نیامده، پس مفعول مطلق تأکیدی است.

○ **كُلُّ شَيْءٍ يَرِخُّ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدَبُ.**

مستثنی

**تجربنت:** همه‌چیز هنگامی که زیاد شود ارزان می‌شود، به‌جز ادب.

الأدب: اسم بعد از إِلَّا همیشه مستثنی است.

۱۲- الف) الأَثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ.

مفعول مضاف‌إلیه

**تجربنت:** آثار قدیمی بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند.

«تُؤَكِّدُ» فعل و فاعل آن «هي» مستتر است و بعد از آن «الاهتمام» مفعول است، زیرا اولاً معنای در ترجمه مفعول است، ثانیاً منصوب (ت، ین، ین ...) است.

**کتاب:** در زبان عربی متمم نداریم، معادل آن در زبان عربی مفعول است به شرط آن‌که منصوب باشد، پس «الاهتمام» در فارسی متمم شمرده می‌شود، ولی در عربی مفعول است.

ب) الْحَاجُّ اسْتَلَمَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ بِالْكَعْبَةِ الشَّرِيفَةِ.

صفت

مبتدا

**تجربنت:** حاجی حجرالاسود (سنگ سیاه) در کعبه شریف را لمس کرد.

«الحاجُّ» اسم و اول جمله آمده، پس مبتدا است. «الشَّرِيفَةُ» صفت است، زیرا اولاً معنای «گرامی» دارد، ثانیاً با اسم قبل از خود «الكعبة» در جنس، تعداد، حرکت و معرفه مطابقت دارد، پس تمام ویژگی‌های صفت را دارد.

۱۳- انگور - شرایط - صدقه‌دادن - دبیرستان - پوشش - بیهوده

الف) سُدِّيٌّ: خداوند انسان را بیهوده رها نمی‌کند.

ب) الثَّانَوِيَّةُ: دبیرستان همان مرحلهٔ درسی بعد از ابتدایی است.

ج) العِنَبُ: قیمت انگور در پایان تابستان ارزان می‌شود به دلیل فراوانی‌اش در بازار.

د) الإنفاقُ: همه‌چیز با صدقه‌دادن (انفاق کردن) کم می‌شود، به‌جز علم.

۱۴- فرزدق از شعرای عصر اموی و عاشق اهل بیت علیهم‌السلام بود و عشقش را نزد خلفای بنی‌امیه پنهان می‌کرد و آن را (عشقش را) هنگامی که هشام بن عبدالملک در روزگاران پدرش حج به جا آورد، آشکار کرد.

ماهی تیلاپیا از عجیب‌ترین ماهی‌ها است که از بچه‌هایش دفاع می‌کند، در حالی که با آن‌ها حرکت می‌کند. آن در شمال آفریقا زندگی می‌کند و هنگام خطر بچه‌هایش را می‌بلعد، سپس بعد از برطرف‌شدن خطر آن‌ها را بیرون می‌آورد.

الف) فرزدق چه زمانی عشق خودش به اهل بیت علیهم‌السلام را آشکار کرد؟ لَمَّا حَجَّ هِشَامُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ فِي أَيَّامِ أَبِيهِ.

ب) فرزدق چه کسی بود؟ كَانِ الْفَرَزْدَقُ مِنْ شُعْرَاءِ الْعَصْرِ الْأُمَوِيِّ.

ج) ماهی تیلاپیا کجا زندگی می‌کند؟ إِنَّهَا تَعِيشُ فِي شِمَالِ إِفْرِيقِيَا.

د) ماهی از چه چیزی دفاع می‌کند؟ تُدَافِعُ عَنِ صِغَارِهَا.

۱۵- الف) الْحَاجَّةُ: گزینه «۲» اسم، مفرد، مؤنث، مُعَرَّفٌ بِالْ / مضافٌ إليه «الحاجة» مُعَرَّفٌ بِالْ است در گزینه (۱) به اشتباه «مُعَرَّفٌ بِالْعِلْمِيَّةِ» نوشته شده است. نقش دستوری «الحاجة» مضاف‌الیه است، زیرا «طَلَبٌ: خواستن» اسم است و «طلب الحاجة» تمام ویژگی‌های مضاف و مضاف‌الیه را دارد.

**نکته:** مضاف + مضاف‌الیه

«ال» نمی‌گیرد. مهرور (چین بین) مضاف‌الیه می‌گیرد.  
 تنوین نمی‌گیرد. «ن» منتهی و جمع نمی‌گیرد.  
 (... می‌گیرد.

ب) أَشَدُّ: گزینه «۱» اسم تفضیل، مفرد، مذکر / خبر «أَشَدُّ» بر وزن أفعال و اسم تفضیل است، در گزینه (۲) نوشته «مصدر» که غلط است. نقش دستوری «أَشَدُّ» خبر است، در گزینه (۲) به اشتباه نوشته شد «صفت».



حتماً تا به حال متوجه شده‌اید که ترجمه انواع فعل در کتاب شما بسیار مورد تأکید است؛ بنابراین حالا ببینیم که **لَيْتَ** و **لَعَلَّ** در ترجمه فعل چه تغییری ایجاد می‌کنند.

**نکته ۱:** اگر جمله‌ای دارای **لَيْتَ** و **لَعَلَّ** باشد و بعد فعل مضارع بیاید (لَيْتَ یا لَعَلَّ ... + فعل مضارع) آن فعل مضارع را به صورت «مضارع التزامی» (+ب + بن مضارع + شناسه) ترجمه می‌کنیم.

(لَيْتَ یا لَعَلَّ ... + فعل مضارع = مضارع التزامی)

**مثال ۱:** ﴿إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾:

مضارع

بی‌گمان ما قرآنی را (به زبان) عربی قرار دادیم امید است شما خردورزی کنید. (الزخرف/۳)

مضارع التزامی

همان‌طور که در مثال می‌بینید «تَعْقِلُونَ = خردورزی می‌کنید» فعل مضارع است ولی چون قبل از آن «لَعَلَّ» آمده به شکل «مضارع التزامی» ترجمه می‌کنیم.

**مثال ۲:** ﴿يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ﴾: ای کاش خوبشاوندانم بدانند. (یس/۲۶)

مضارع

مضارع التزامی

اگر موافقید از هر کدام دوباره مثالی ببینیم:

**مثال ۳:** لَعَلَّ الطُّلُبَ يَجْتَهِدُونَ: شاید دانشجویان تلاش کنند.

مضارع

مضارع التزامی

**مثال ۴:** لَيْتَ الشُّبَابِ يَعُودُ: کاش جوانی برگردد.

مضارع

مضارع التزامی

**نکته ۲:** اگر جمله‌ای دارای **لَيْتَ** و **لَعَلَّ** باشد و بعد فعل ماضی بیاید (لَيْتَ یا لَعَلَّ ... + فعل ماضی) آن فعل ماضی را می‌توان به صورت **ماضی استمراری** (می + ماضی + شناسه) ترجمه کرد. (لَيْتَ یا لَعَلَّ ... + فعل ماضی = ماضی استمراری)

**مثال ۱:** لَيْتِنَا اِئْتَمَعْنَا عَنْهُ: کاش ما از آن خودداری می‌کردیم.

ماضی

ماضی استمراری

**تذکره:** در نکته قبل گفتیم که «لَيْتَ ... + فعل ماضی ... = ماضی استمراری»

اما لازم است بدانیم که اگر به صورت ماضی بعید (بن ماضی + ه + فعل بود + شناسه) هم ترجمه کنیم، صحیح است.

**مثال ۲:** لَيْتِنَا شَاهَدْنَا جَمِيعَ مُدُنِ بِلَادِي:

ماضی

کاش همه شهرهای کشورم را می‌دیدیم. (ماضی استمراری) ← ترجمه صحیح‌تر

کاش همه شهرهای کشورم را دیده بودیم (ماضی بعید) ← ترجمه صحیح

## لَا النَّافِيَةَ لِلْجِنْسِ

به مثال‌های زیر توجه کنید:

**الف)** لَا يَبَاسَ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ: هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست.

**ب)** لَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ: هیچ عبادتی همانند اندیشیدن نیست.

در مثال‌ها «لا»ی نفی جنس را می‌بینید.

«لا»ی نفی جنس بر سر جمله اسمیه می‌آید و حرکت مبتدا را تغییر می‌دهد؛ یعنی مبتدا را اسم خود و مفتوح (م) می‌کند.

به چند مثال دیگر به همراه تغییر حرکات کلمات توجه کنید.

**الف)** لَا فَقْرٌ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ: هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست.

اسم «لا»ی فخر و لاهی

نفی ینس نفی نفی ینس

**ب)** لَا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ: هیچ پیکاری مانند پیکار با نفس نیست.

اسم «لا»ی فخر و لاهی

نفی ینس نفی ینس

## فَن تَرْجِمَهُ

خُب! برویم سراغ اصل داستان که ترجمه «لا»ی نفی جنس است.

«لا»ی نفی جنس به معنای «هیچ ... نیست» یا «اصلاً ... وجود ندارد» می‌باشد.

به مثال‌ها توجه کنید:

**مثال ۱:** لَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ: هیچ میراثی مانند ادب نیست. (اصلاً هیچ میراثی مانند ادب وجود ندارد.)

**ب)** لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: هیچ معبودی جز الله نیست.

**نکته مهم:** (انواع «لا»)

در زبان عربی چند نوع «لا» داریم که معنا و کاربرد هر کدام متفاوت است؛ پس لازم است انواع «لا» را بشناسیم.

**۱)** «لا» به معنای «نه»: این «لا» حرف است و متضاد «نعم» است و در پاسخ «هل» و «أ» (آیا) می‌آید.

**مثال ۱:** هَلِ الطَّالِبُ الْمُتَكاسِلُ نَاجِحٌ؟ لا. آیا دانش‌آموز تنبل موفق است؟ خیر (نه).

**۲)** «لا»ی نهی: بر سر فعل مضارع می‌آید و ظاهر فعل مضارع را تغییر می‌دهد (مجزوم می‌کند). در سال‌های قبل با فعل نهی دوم شخص آشنا شدید. (تَكْتَبُ ← لا تَكْتَبُ: ننویس / تَسْبُؤْنَ ← لا تَسْبُؤْا: دشنام ندهید)

اما «لا»ی نهی می‌تواند قبل از فعل‌های مضارع اول و سوم شخص هم بیاید که در این صورت به همراه «نباید» ترجمه می‌کنیم.

سوم شخص مفرد ← لا يَحْرُثُكَ ← نباید تو را غمگین کند.

اول شخص جمع ← لا تَذْهَبْ ← نباید برویم.

**۳)** «لا»ی نفی مضارع: بر سر فعل مضارع می‌آید و ظاهر فعل مضارع را تغییر نمی‌دهد و معنای آن را منفی می‌کند.

**مثال ۱:** يَرْحَمُ = رحم می‌کند / لا يَرْحَمُ = رحم نمی‌کند

يَذْكَرُ = یاد می‌کند / لا يَذْكَرُ = یاد نمی‌کند

**۴)** «لا»ی نفی جنس: در ابتدای درس‌نامه، عملکرد و معنای آن را نوشتیم.

حالا برای این که انواع «لا» را بهتر بشناسیم با همدیگر مثالی را بررسی می‌کنیم:

**سؤال:** انواع «لا» را در مثال‌های زیر مشخص کنید.

الف) ﴿... رَبَّنَا وَ لا تُحَمِّلْنَا ما لا طاقَةَ لَنَا به ...﴾ (البقره/۲۸۶)

ب) لا يَثْرُكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ سُدًى.

**پاسخ:** الف) لا تُحَمِّلْنَا: بر ما تحمیل نکن. (لای نفی است؛ زیرا بر سر فعل مضارع آمده و آن را مجزوم (م) کرده است.)

لا طاقَةَ لَنَا: هیچ طاقتی برای ما نیست. (لای نفی جنس است؛ زیرا بر سر جمله اسمیه (مبتدا) آمده و آن را مبنی بر فتحه (م) کرده است.)

ب) لا يَثْرُكُ: رها نمی‌کند (لای نفی مضارع است؛ زیرا بر سر فعل مضارع آمده و حرکت آخر آن را تغییر نداده است.)

## کلمات و عبارات مهم درس

### فعل‌ها

أَقَامَ - يُقِيمُ: بر پا کرد - بر پا می‌کند	أَقَمَ وَجْهَكَ: روی بیاور
تَدَلَّى: راهنمایی می‌کند	تَوَكَّدَ: تأکید می‌کند
لَمْ يَثْرُكْ: رها نکرد - رها نکرده است	إِزْدَادًا: افزایش یافت
أَنْ يَثْرُكَ: که رها شود	يُحَسِّبُ: گمان می‌کند
قَدْ حَدَّثْنَا: با ما سخن گفته است	لِيُبَيِّنُوا: تا آشکار کنند
و لَنْذَكُرَ: و باید یاد کنیم	كَسَّرَ: شکست
أَنْ يُنْقَذَ: که نجات دهد	حَاوَلْ: تلاش کرد
عَلَّقَ: آویزان کرد	لَمَّا خَرَجَ: هنگامی که بیرون رفت

التَّسَبُّبُ: دودمان، نژاد	الْجُذُعُ: تنه
لَا يُضِيْعُ: تباه نمی کند	لَا تَسْبُوْا: دشنام ندهید
يَسْتَوِي: برابر هستند	يُعْبَدُ: عبادت می شود
بَدَّوْا يَتَّهَمُوْنَ: شروع به سخن گفتن کردند	صَفًا: ردیفی، ترتیبی
مُدُن: شهرها	قِيلَ: گفته شد
كُنْز: گنج	تَرَاهُمْ: آن ها را می بینی (می پنداری)
سِنَّ عَرِيضَةٍ: دندان‌های پهن	الثَّحَّاسُ: مس
طَيْبَةٌ: گلی	عَظْمٌ: استخوانی
لَا يُذَكَّرُ: بیان نمی شود	لَا بَرَكَهَ فِيْهِ: هیچ برکتی در آن نیست
المُفْسَدَةُ: مایه تباهی	مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ: برآورنده دعاها
الإِنْشِرَاحُ: شادمانی	أَعْتَيْ: مرا یاری کن
أَمْلًا الصَّدْرَ انْشِرَاحًا / وَفَمِي بِالْبَسْمَاتِ: سینه را از شادمانی و دهانم را از لبخندها پر کن.	
أَنْزُ: روشن کن	السَّلَامُ: آشتی، صلح
الإِزْضَاءُ: خشنودساختن	الثَّرَابُ: خاک
ما يَلِي: آنچه می آید	سَوِي: به جز
العَصَبُ: بی	دَاءٌ: بیماری
لَا تَعْصَبُ: عصبانی نباش	الأنشودة: سرود
سَعِيدٌ: خوش بخت	البَسْمَاتِ: لبخندها
أداء الواجبات: انجام دادن تکالیف	أَيُّ: کدام، هیچ، هرگونه
الحِطَّةُ: بخت	إِحْمِي: از من نگاه داری کن (حمی، یحیی)
غَايَةٌ: هدفی	الْقُرْآنُ: خواندن، کتاب خداوند

مترادف

تَجَبُّبٌ = الإبتعاد (دوری کردن)	أَنَارَ = أضاءَ (روشن کرد)
إِزْدَادًا = كَثُرَ (زیاد شد)	مَوْحَدٌ = حَنِيفٌ (یکتاپرست)
الصَّرَاعُ = التَّزَاعُ (کشمکش)	حَرَقٌ = أَشْعَلُ (سوزاند)
الدَّاءُ = المَرَضُ (بیماری)	سَاعَدَ = أَعَانَ (کمک کرد)
السَّلَامُ = الصَّلُحُ (آشتی، صلح)	بَعَثَ = قِيَامَةً (رستاخیز)
مَرصُوعٌ = سَدِيدٌ (محکم)	رَمَى = قَدَفَ (پرتاب کرد، انداخت)
إِنْشِرَاحٌ = سُورور (شادی)	أُمٌّ = أَوْ (با)
بُنْيَانٌ = بِنَاءٌ (اساس، پایه)	شَعَائِرٌ = مَرَامِسٌ (مراسم)
أَعَانَ = نَصَرَ (یاری کرد)	لَعَلَّ = عَسَى (شاید، امید است)
سُدِيٌّ = عَيْتٌ (بیهوده)	مُزَارِعٌ = فَلَاحٌ (کشاورز)
يَحْسَبُ = يَطَّنُ (گمان می کند)	سَبَّ = فُحش (دشنام)
أَعَجَبٌ = أَعْرَبٌ (عجیب تر، عجیب ترین)	حَنِيفٌ = مَوْحَدٌ (یکتاپرست)

متضاد

الصَّرَاعُ (کشمکش) ≠ السَّلْمُ (آرامش)
عافية (سلامتی) ≠ مَرَضٌ (بیماری)
خَفِي (پنهان) ≠ ظَاهِرٌ (آشکار)
العافية (سلامتی) ≠ الدَّاءُ (بیماری)
حنيف (یکتاپرست) ≠ مُشْرِكٌ (کسی که برای خدا شریک قائل است).
أَجْمَلٌ (زیباتر، زیباترین) ≠ أَفْحِحٌ (زشت تر، زشت ترین)
بَسْمَةٌ (خنده) ≠ بُكَاءٌ (گریه)
عَرِيضٌ (وسیع) ≠ ضَيِّقٌ (تنگ)

ظَنُّوا: گمان کردند	أَخْضَرُوهُ: او را آوردند
سَأَلُوهُ: از او پرسیدند	تَسْأَلُونِي: از من سؤال می کنید
إِسْأَلُوا: بپرسید	لَا يَتَكَلَّمُ: سخن نمی گوید
بَدَّوْا يَتَّهَمُوْنَ: شروع به بیچ پیچ کردند	حَرَقُوهُ: او را بسوزانید
أَنْضَرُوا: یاری کنید	قَدَفُوهُ: او را انداختند
أَنْقَذَهُ: او را نجات داد	

سایر کلمات و عبارات

خَنِيفًا: یکتاپرستی نسل یا نژادی از مردم	شَعْبٌ: مَلَّتْ
الْخِضَارَاتُ: تمدن‌ها	خِلَالٌ: از میان
الْكِتَابَاتُ: کتیبه‌ها	الثُّغُوسُ: کنده کاری‌ها
الرُّسُومُ: نقاشی‌ها	الثَّمَائِلُ: تندیس‌ها
الشَّعَائِرُ: مراسم	الْقَرَابِينُ: قربانی‌ها
التَّجَبُّبُ: دوری کردن	مَرَّ الْعُصُورِ: گذر زمان (گذشت دوره‌ها)
تَبَارَكَ وَتَعَالَى: بزرگ و بلندمرتبه است	السُّدَى: بیهوده و بوج
السَّيْرَةُ: روش و کردار	الصَّرَاعُ: کشمکش
الأصنام: بت‌ها	وَحِيدًا: تنهایی
الْفَأْسُ: تبر	الكَتِيفُ: شانه
الإِسْتِهْزَاءُ: مسخره کردن	الإِهْتِمَامُ: توجه کردن
التَّدْيِينُ: دینداری	

متن درس

﴿أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾:

با یکتاپرستی به دین روی آور. (یونس/ ۱۰۵)

لَا شَعْبٌ مِّنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا ... هِيَ مَلَّتِيْ مِنْ مِلِّ زَمِينٍ نِّسْتِ مَكْر ...

تَعَدُّوا إِلَهِتَهُمْ وَتُقَدِّمُ الْقَرَابِينِ: چندگانگی خدایان و پیشکش کردن قربانی‌ها

﴿أَ يَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾:

آیا انسان گمان می کند که بیهوده رها می شود؟ (القیامة/ ۳۶)

قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ عَنْ سِيْرَةِ الْأَنْبِيَاءِ ﷺ وَ كَشَمَكِشِ أَنْ هَا سَخْنُ كُفْتَهْ اسْتِ.

حَاوَلْ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ: تلاش کرد که قوم خود را نجات دهد،

حَمَلْ فَأَسَا وَ كَسَّرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ: تبری را برداشت و همه بت‌ها را شکست.

﴿أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمَ﴾:

ای ابراهیم، آیا تو این کار را با خدایان ما انجام دادی؟ (الانبیاء/ ۶۲)

لِمَ تَسْأَلُونِي؟ إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ: چرا از من می پرسید؟ از بت بزرگ بپرسید

بَدَّ الْقَوْمُ يَتَّهَمُوْنَ: مردم شروع به بیچ پیچ کردند.

و هُنَا ﴿قَالُوا حَرَقُوهُ وَ أَنْضَرُوا آلِهَتَكُمْ﴾:

و این جا «گفتند که او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید.» (الانبیاء/ ۶۸)

فَقَدَفُوهُ فِي النَّارِ: پس او را در آتش انداختند.

فَأَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا: و خداوند او را از آن (آتش) نجات داد.

کلمات و عبارات تمرین

لَمْ يَكُنْ: نبود	عَلَّمْتَنَا: به ما آموختی
لَا تُدْرِكُ: به دست آورده نمی شود (به دست نمی آید)	
لَا يَخْرُوكَ: نباید تو را غمگین کند.	لَا تُحْمَلُنَا: بر ما تحمیل نکن
يَقَعُ: قرار می گیرد	أَلْبَعُثُ: رستاخیز
بُنْيَانٌ مَّرصُوعٌ: ساختمانی استوار	كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ: نمی دانستید
جَعَلَنِي: من را قرار داد	لَا تَحْزُنْ: غمگین نباش